

**ORIGINAL ARTICLE**

# The Emergence of Footballers' Nicknames from a Cognitive Onomastic Perspective

Shirin Pourebrahim<sup>\*1</sup>, Daryoush Khajavi<sup>2</sup>

1. Associate Professor of linguistics Department, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Payame Noor University, Tehran Iran.

2. Associate Professor, Department of Motor Behavior and Sport Psychology, Faculty of Sport Sciences, Arak University, Arak, Iran.

Correspondence:

Shirin Pourebrahim

Email: [pourebrahimsh@pnu.ac.ir](mailto:pourebrahimsh@pnu.ac.ir)

Received: 01/Sep/2025

Revised: 05/Nov/2025

Accepted: 24/May/2026

**How to cite:**

Pourebrahim, SH.; Khajavi, D. (2026). The Emergence of Footballers' Nicknames from a Cognitive Onomastic Perspective, *Journal of Sociolinguistics*, 9 (34), 103-120.

(DOI: [10.30473/il.2026.75657.1710](https://doi.org/10.30473/il.2026.75657.1710))

## ABSTRACT

Onomastics is a branch of social linguistics and names play significant roles in cognitive organization of people in different communities with various languages. Therefore, taking a Socio-cognitive Onomastics perspective can shed lights on the production and perception of footballer nicknames. Which cognitive mechanisms do evoke the creation of footballer nicknames? How does the multi-level view of metaphor explain the conceptual metaphors? Furthermore, how football context-as a socio-cultural situation- does influence the kind of metonymic and metaphorical processes and the kind of selected sources? To achieve the goals, the corpus including phrasal/ Homeric nicknames of famous footballers was extracted from the internet. The results show that in conceptual metonymies, the features and actions of footballers are selected as their nicknames. Moreover, eleven types of metaphors were involved in the nickname emergence; two of the most frequent ones are FOOTBALLER AS ANIMAL and AS THE HIGHEST PERSON OF A SOCIAL POWER SYSTEM. This paper shows that the metonymies and metaphors being primed by football context and leading to the emergence of nicknames are activated at the mental space level. The type of nicknames is influenced by situational factors like socio-cultural situations including strength, movement, and management values governing football.

## KEYWORDS

Socio-cognitive Onomastics, Footballer, Nicknames, Conceptual Metaphors, Conceptual metonymies, Multi-Level View.



## Introduction

Onomastics is a branch of social linguistics. Names, either proper ones or nicknames, play significant roles in cognitive organization of people in different communities with various languages. Therefore, taking a Socio-cognitive Onomastics perspective can shed lights on the production and perception of footballer nicknames. The questions that can be raised in this respect are: Which cognitive mechanisms do evoke the creation of footballer nicknames? How does the multi-level view of metaphor explain the conceptual metaphors? Furthermore, how football context-as a socio-cultural situation- does influence the kind of metonymic and metaphorical processes and the kind of selected sources? It seems that taking a Socio-cognitive Onomastics perspective can shed lights on the production and perception of footballer nicknames.

## Method

To achieve the goals, the corpus including phrasal/ Homeric nicknames of famous footballers (N=103) were extracted from the internet, including football articles on the Internet and websites related to Iranian and foreign football players. The accuracy and completeness of the data were verified in several stages with specific researches and the removal of less valid data. Moreover, to validate each nickname, the biography and sports records of each player, and his outstanding professional characteristics were examined. Among the nicknames, which were divided into two categories according to Kennedy and Zamuner (2006) - phrasal (or Homeric) and diminutive - those that were phrasal/Homeric were selected (N=118) and diminutive nicknames were removed from the research data. Two categories of metonymy (N=37) and metaphor -based (N=81) nicknames were recognized and analysed based on Conceptual Metonymy Theory and Extended Conceptual Metaphor.

## Findings

The research found that all selected phrasal nicknames are created through either metonymic or metaphorical mechanisms. Moreover, metaphors were in mental space level and were evoked by different contexts in which the soccer player lives, plays and are loved by their fans.

## Results and Conclusion

In this article, which was conducted with the aim of investigating how football players' nicknames arise, it was found that two processes of conceptual metonymy and conceptual metaphor are effective in the formation of nicknames of famous footballers. In constructing and understanding phrasal or Homeric nicknames, the mind follows two mechanisms of conceptual metonymy and conceptual metaphor. In conceptual metonymy, an action or characteristic of the player (often professional, movement, strength, style, and sometimes appearance) stands for his nickname. At a more general level, this process is the general conceptual metonymy of PART FOR WHOLE. Moreover, eleven types of metaphors were involved in the nickname emergence; two of the most frequent ones are FOOTBALLER AS ANIMAL and FOOTBALLER AS THE HIGHEST PERSON OF A SOCIAL POWER SYSTEM. This paper shows that the metonymies and metaphors, being primed by football context and leading to the emergence of nicknames, are activated at the mental space level. The type of nicknames is influenced by situational factors like socio-cultural situations including strength, movement, management values governing football.

## Keywords

Socio-cognitive Onomastics, Footballer, Nicknames, Conceptual Metaphors, Conceptual metonymies, Multi-Level View.

«مقاله پژوهشی»

## پیدایش القاب بازیکنان فوتبال از منظر نام‌شناسی اجتماعی - شناختی

شیرین پورابراهیم\* iD<sup>۱</sup>، داریوش خواجوی iD<sup>۲</sup>

### چکیده

نام‌شناسی شاخه‌ای از زبان‌شناسی اجتماعی است و نام‌ها در ساخت شناختی افراد در جوامع مختلف با زبانهای متنوع نقش مهمی دارند. از این‌رو اتخاذ رویکرد نام‌شناسی اجتماعی - شناختی می‌تواند ابعاد اجتماعی و شناختی نام‌ها و القاب را روشن کند. هدف این مقاله بررسی اجتماعی - شناختی تولید و درک القاب بازیکنان فوتبال است. کدام فرایندهای شناختی در شکل‌گیری القاب بازیکنان معروف فوتبال دخیل هستند، و چگونه می‌توان بر اساس دیدگاه چندسطحی استعاره به تبیین استعاره‌ها پرداخت؟ همچنین بافت فوتبال، به عنوان یک زمینه فرهنگی - اجتماعی، چه تأثیری بر نوع فرایند و نوع مبدأ برگزیده دارد؟ به این منظور، پیکره این پژوهش شامل القاب عبارتی یا هومری بازیکنان مشهور فوتبال از سایت‌های فوتبالی استخراج شد. نتایج بررسی نشان می‌دهد در مجازهای مفهومی، کنش یا ویژگی بازیکن برای لقب‌گذاری وی انتخاب شده است. همچنین، یازده استعاره مفهومی در فرایند لقب‌گذاری دخیلند. دو استعاره بازیکن فوتبال به مثابه حیوان و بازیکن برتر فوتبال به مثابه بالاترین فرد در نظام قدرت، در زمره بیشترین استعاره‌ها هستند. دو فرایند شناختی استعاره و مجاز، در بافت موقعیتی فوتبال برانگیخته و القاب جدید را در سطح فضای ذهنی می‌سازند. نوع القاب تحت تأثیر عوامل بافتی مثل موقعیتهای اجتماعی - فرهنگی از جمله ارزشهای قدرتی - حرکتی - مدیریتی حاکم بر فوتبال است.

### واژه‌های کلیدی

نام‌شناسی اجتماعی - شناختی، القاب بازیکنان فوتبال، استعاره مفهومی، مجاز مفهومی، دیدگاه چندسطحی.

۱. دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.  
۲. دانشیار گروه رفتار حرکتی و روانشناسی ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

نویسنده مسئول:

شیرین پورابراهیم

رایانامه: [pourebrahimsh@pnu.ac.ir](mailto:pourebrahimsh@pnu.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۳

استناد به این مقاله:

پورابراهیم، شیرین؛ خواجوی، داریوش (۱۴۰۵). پیدایش القاب بازیکنان فوتبال از منظر نام‌شناسی اجتماعی - شناختی، فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی، ۹ (۳۴)، ۱۰۳-۱۲۰.

(DOI: [10.30473/il.2026.75657.1710](https://doi.org/10.30473/il.2026.75657.1710))



## مقدمه

علم مطالعه نام‌ها یا نام‌شناسی<sup>۱</sup>، اعم از بررسی اسامی خاص افراد و مکانها از دیرباز مورد توجه پژوهشگران بوده است. این نوع مطالعه گاه به ریشه‌شناسی و سیر تحول اسامی پرداخته، و گاه با سایر حوزه‌های مطالعاتی مثل فرهنگ، اقتصاد و هنر گره خورده و به ابعاد فرهنگی، اقتصادی و هنری شکل‌گیری نام‌ها می‌پردازد. از این رو در مطالعات زبان‌شناسی نوین، ابعاد جامعه‌شناختی شکل‌گیری اسامی منجر به قرارگرفتن مطالعات نام‌شناسی در ذیل جامعه‌شناسی زبان شده است. نام‌شناسی شناختی<sup>۲</sup> نیز ابعاد شناختی اسامی را بررسی می‌کند و شاخه‌ای از نام‌شناسی است که از اصول زبان‌شناسی شناختی و علوم شناختی بهره‌برداری می‌کند تا کشف کند افراد چگونه اسم‌هایی خاص را شکل می‌دهند، به کار می‌برند و درک می‌کنند. زندی و احمدی (۱۳۹۵) برای تحقیقاتی که ابعاد اجتماعی و شناختی نام‌گذاری را بررسی می‌کنند اصطلاح «نام‌شناسی اجتماعی-شناختی» را به کار برده‌اند. این حوزه «مطالعاتی میان‌رشته‌ای با رویکرد تلفیقی، نام‌شناسی را از یک دانش رشته‌ای به دانشی میان‌رشته‌ای تبدیل می‌کند که قادر است به‌طور هم‌زمان ابعاد اجتماعی-شناختی مؤثر در نام‌گذاری را به‌خوبی تبیین کند. از سوی دیگر، در نظریه استعاره مفهومی گسترده، متعلق به کوچش<sup>۳</sup> (۲۰۲۰)، تاثیرگذاری بافت‌های مختلف اجتماعی-فرهنگی برای شکل‌گیری استعاره‌ها مورد تأکید قرار گرفته و امکان بررسی استعاره‌ها در چارچوب بافت اجتماعی در دل نظریه شناختی فراهم شده و نظریه استعاره مفهومی را از یک نظریه صرفاً شناختی به نظریه‌ای شناختی-اجتماعی تبدیل کرده است.

در زبان فارسی، لقب<sup>۴</sup> طبق تعریف فرهنگ معین، «اسمی غیر از نام اصلی است که فردی به آن شهرت پیدا کند، خواه دلالت بر ذم کند یا مدح». در زبان انگلیسی معادل این اصطلاح nickname است. در فرهنگ مریام وبستر، nickname «نامی است که به شخصی داده می‌شود، به‌ویژه توسط دوستان یا خانواده و نام واقعی آن فرد نیست و اغلب با آن چه فرد به نظر می‌رسد یا آنچه انجام می‌دهد مرتبط است». بر اساس این فرهنگ «لقب معمولاً اسمی توصیفی است که به جای اسم شخص، مکان یا شیء، یا افزون بر آن،

به آن فرد یا مکان یا شیء داده می‌شود.» جالب است بدانیم که طبق توضیحات این مرجع، این واژه در انگلیسی میانه متشکل از eke و name بوده است. تکواژ نخست آن به معنی «همچنین» و «به‌علاوه» بوده، از ترکیب این دو، ekename که به معنی «علاوه بر اسم» بود ساخته شده و با گذشت زمان an ekename تبدیل به a nickname شد.

در واقع، لقب به اسم خاصی اطلاق می‌شود که جامعه به دلایل مختلف، برای نام‌گذاری برخی افراد، علاوه بر اسم اصلی آنها، انتخاب می‌کند. لقب‌ها را خانواده، دوستان یا گروه‌های اجتماعی بزرگتر می‌سازند و به دلیل فرایندهای شناختی دخیل، به لحاظ زبانی، اجتماعی و شناختی موضوعاتی جذاب و درخور توجه هستند. «با وجود انبوهی از متون علمی در مورد نام‌گذاری و اصطلاحات، لقب‌گذاری، خود، توجه جدی پژوهشی کمی را جلب کرده است» (هالند<sup>۵</sup>، ۱۹۹۰: ۲۵۵). القاب در اصل صورت‌هایی از نام‌گذاری هستند که از نام‌گذاری رسمی فراتر می‌روند و درک گوینده را از هویت، ویژگی‌ها و روابط فرد منعکس می‌کنند. این امر مستلزم به کارگیری استعاره، مجاز و سایر فرایندهای شناختی است. افزون بر این، در نظریه نام‌شناسی اجتماعی<sup>۶</sup> لزی و اسکپیپر<sup>۷</sup> (۱۹۹۱: ۲۷۳)، القاب فقط نمادهای دلخواهی هویتی نیستند، بلکه دال بر جایگاه، قدرت، موقعیت، برتری و سازمان اجتماعی معنی‌دار درون یک بافت اجتماعی تعریف شده‌اند. از نگاه زبان‌شناسی شناختی، القاب به مثابه بازنمایی‌هایی زبانی از چگونگی مقوله‌بندی و مفهوم‌سازی افراد از یکدیگر هستند.

فوتبال محبوب‌ترین بازی تویی در جهان است، چه از نظر مشارکت و چه از نظر تعداد بینندگان. این یک بازی جهانی با میلیون‌ها طرفدار است و جام جهانی فوتبال پربیننده‌ترین رقابت ورزشی در سراسر جهان است (ربابه و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۲۴: ۱۱۶۵). در فوتبال، علاوه بر اسم بازیکن، دروازه‌بان و مربی، القابی نیز از سوی طرفداران و جامعه فوتبال برای نامیدن آنها در استادیوم‌های فوتبال و رسانه ساخته می‌شود. هدف این مقاله بررسی شناختی چگونگی شکل‌گیری القاب بازیکنان معروف فوتبال توسط هواداران آنها است. سلبیته‌ها از جمله بازیکنان معروف فوتبال، دارای القاب مختلفی در فضای رسانه و گفت‌وگوهای مربوط هستند. شکل‌گیری ناخودآگاه لقب‌های آنها توسط طرفدارانشان را

5. Holland  
6. socio-onomastic theory of nicknames  
7. Leslie and Skipper  
8. Rababah

1. Onomastics  
2. Cognitive Onomastics  
3. Kövecses  
4. Nicknames

(۲۰۱۷) عمر نام‌شناسی به عنوان یک حوزه علمی چندان طولانی نیست و به عنوان زیرشاخه علمی حوزه تاریخ زبان، تاریخ و باستان‌شناسی آغاز به کار کرده است. (نقل شده در زندی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰). نام‌شناسی از چشم‌اندازهای مختلفی به مسأله نام‌های خاص و عام (به‌ویژه نام‌های خاص) پرداخته است.

مقاله «لقب‌ها و واژگان ورزشی» نوشته کندی و زامونر (۲۰۰۶) به بررسی چگونگی کارکرد القاب در بافت ورزشی، تحلیل نحوه ایجاد این القاب، و کاربرد و معنای اجتماعی آنها می‌پردازد. این مطالعه بین القاب عبارتی<sup>۳</sup> و تصغیری<sup>۴</sup> تمایز قائل می‌شود. این مقاله که به القاب بازیکنان حرفه‌ای هاکی و بیسبال اختصاص دارد، بین لقب‌های عبارتی یعنی عبارات توصیفی، که اغلب در روایت‌ها استفاده می‌شوند و تصغیری (که هم برای اشاره و هم برای خطاب، احتمالاً با پسوند، استفاده می‌شوند) تمایز قائل می‌شود. القاب نوع نخست، یعنی عبارتی، که به آنها القاب هومری<sup>۵</sup> گفته شده، ساختارهای عبارتی هستند که در شعر حماسی باستانی به کار می‌رفتند تا شخصیتها را با ویژگیهای برجسته آنها مشخص کنند. مثلاً در ایلیاد هومر، بیشتر با القاب، نه با نام، به این افراد اشاره می‌کردند. آشیل تیزیا ۲۱ بار، آتانی چشم‌خاکستری ۲۷ بار، و آگامنون ۴۲ بار یا قبل یا بعد از پادشاه آدمیان آمده است. اما القاب تصغیری با کوتاه کردن اسم و یا افزودن پسوند به وجود می‌آیند و برای ارجاع‌دهی و نیز خطاب به کار می‌روند مثل یورکی به جای یورک. (کندی و زامونر، ۲۰۰۶: ۳۸۸-۳۸۹).

مقاله زیوروا و چیلنگریان<sup>۶</sup> (۲۰۱۶) بر فوتبال به عنوان یک موضوع مطالعه علمی تمرکز دارد و ریشه‌شناسی لقب‌های غیررسمی تیم‌های فوتبال کشورهای مختلف و ترجمه آنها به اسپانیایی را بررسی می‌کند. یافته‌های اصلی این مقاله حاکی از آن است که ریشه‌شناسی این نام‌های غیررسمی تیم‌ها از میدان معنایی که شیء فرهنگی را احاطه کرده است (تیم چنین شیء‌ای است) ناشی می‌شود. شولسکا<sup>۷</sup> و همکاران (۲۰۱۸) در بررسی القاب در زبان اوکراینی مشاهده کردند که ساخت القاب توسط هنجارهای واژگانی و واژه‌سازی خاص و همچنین عرف کنترل می‌شود. آنها دریافتند که لقب‌ها هم نام‌گذاری مستقیم و هم غیرمستقیم

نمی‌توان پدیده‌ای تصادفی در نظر گرفت. فرض این پژوهش در بدو امر این است که ذهن جمعی طرفداران فوتبال، احتمالاً از فرایندهای شناختی همگانی‌ای بهره‌برداری می‌کند. بنابراین، با مطالعه شناختی این القاب می‌توان به قاعده‌مندی‌های شناختی دخیل در شکل‌گیری این القاب پی‌برد. فرضیه پژوهش این است که القاب حاصل قاعده‌های شناختی هستند و فرایندهایی مثل مجاز یا استعاره مفهومی، سازکارهای شکل‌گیری بسیاری از القاب هستند. از سوی دیگر، این که شکل‌گیری این القاب در فضای ورزشی - فوتبالی، چه تأثیری بر نوع القاب بر ساخته دارد، موضوعی جالب توجه است و پاسخ به آن باعث تقویت یا تضعیف جایگاه بافت موقعیتی اجتماعی-فرهنگی در شکل‌گیری القاب مجازی و استعاری می‌شود. در تحقیق حاضر، حوزه تجربی مورد نظر، حوزه واژگانی مجازی و استعاری القاب است یا به عبارت دقیق‌تر، لقب‌شناسی بازیکنان برتر فوتبال جهان، تا مشاهده شود به عنوان حوزه‌های مفهومی مقصد، از کدام فرایندهای استعاری و مجازی و کدام مبداهای برای شکل‌گیری آنها استفاده شده است.

با این مقدمه، پرسش‌های این پژوهش عبارتند از: الف- کدام فرایندهای شناختی در شکل‌گیری القاب بازیکنان معروف فوتبال دخیل هستند، ب- استعاره‌های دخیل را چگونه می‌توان بر اساس دیدگاه چندسطحی استعاره، متعلق به کوچش (۲۰۲۰) تبیین نمود، و ج- ویژگی‌های بافتی و موقعیتی مربوط به فوتبال، چه تأثیری بر نوع فرایند و نوع مبدأ برگزیده دارد؟

برای این منظور، پس از ارائه اجمالی پیشینه تحقیق در خصوص مطالعات نام‌شناسی و ذیل آن بررسی القاب، به معرفی فرایندهای مجاز و استعاره شناختی و روش‌شناسی در بخش‌های رویکرد و روش تحقیق پرداخته می‌شود. سپس در بدنه اصلی مقاله، القاب استخراج‌شده، در دو دسته مجاز و استعاره مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. گفتنی است القاب هومری یا عبارتی انتخابی، همه در این دو دسته قرار گرفتند.

### پیشینه تحقیق

طبق تعریف کریستال<sup>۱</sup> (۲۰۰۸: ۳۳۹)، نام‌شناسی شاخه‌ای از معناشناسی است که به مطالعه ریشه نام‌های (خاص) نهادینه‌شده می‌پردازد. بر اساس نظر آینیالا و استمان<sup>۲</sup>

3. Phrasal nicknames  
4. The hypocoristic nicknames  
5. Homeric Epithets  
6. Zvereva & Chilingaryan  
7. Shulska

1. David Crystal  
2. Ainiuala & Ostman

در مطالعات نام‌شناسی ذکر شده است. در چشم‌انداز نخست، «نام به عنوان عنصری در زبان، نه فقط خاصیت بازشناسی و ارجاع دارد، بلکه عنصری است که برای انجام عملی به کار می‌رود که مجموعه‌ای از اهداف فرهنگی، اجتماعی و تعاملی را در بر می‌گیرد. نقطه تأکید مطالعات نام‌شناسی، نقش نام در ایجاد هویت اجتماعی است. منشأ اجتماعی و کاربرد گونه‌های مختلف نام‌ها، تنوع نام‌ها و تنوع‌پذیری نام‌ها از جمله مباحث مهم از این چشم‌انداز است.

زندگی و همکاران (۱۴۰۰: ۱۸-۱۹) سهم رویکردهای مختلف در مطالعات نام‌شناسی را مورد بحث قرار داده‌اند. آنها معتقدند معنی‌شناسی شناختی توجه زبان‌شناسان را به برخی از ساختارهای نام‌شناسی کیفی جلب کرد. تحقیق در حوزه استعاره‌های تعمیم‌یافته<sup>۲</sup> نمونه‌ای از این امر است. تحقیق در مورد این استعاره‌ها به مثابه شناخت نوعی حوزه واژگانی استعاری است، مجموعه‌ای از استعاره‌های تقریباً معادل هم که تحت عنوان استعاره‌های مفهومی مطالعه می‌شوند حوزه‌هایی متشکل از عبارات استعاری مرتبط با هم را می‌سازند. همچنین معناشناسی شناختی چشم‌انداز کمی را به مطالعه سازکارهای تولید واژگانی می‌گشاید که برخی برجسته‌تر از بقیه‌اند.

ماتسوویچ و همکاران (۲۰۲۱: ۲۱۹) به بررسی القاب سیاست‌مداران در زبان انگلیسی از طریق استعاره‌های مفهومی پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که دو نوع نام‌گذاری شناختی<sup>۳</sup> عمده در زیرساخت القاب سیاسیون وجود دارد: موجود زنده و پدیده یا عنصر غیرزنده. این دو گروه عمده را به مقوله‌های کوچک‌تری تقسیم کردند که حاصل آن استعاره‌های ذیل بود: سیاستمدار یک والد است، سیاستمدار عضو از خانواده سلطنتی است، سیاستمدار یک شخصیت نمایشی است، سیاستمدار یک حیوان است، و سیاستمدار بخشی از بدن انسان است. دسته دوم عبارت بودند از: سیاستمدار یک شیء فیزیکی است و سیاستمدار گیاه است.

در مقاله‌ای با عنوان تحلیل زبانشناختی - فرهنگی نام‌های مستعار باشگاه فوتبال بریتانیا، ربابه و همکاران (۲۰۲۴) معتقدند که «نام‌های مستعار محصول جانبی فرهنگ هستند و مختص محیطی که در آن استفاده و داده می‌شوند. این مطالعه مزایا و معایب بالقوه نام‌های مستعار باشگاه‌های

(استعاری) را آشکار می‌کنند. این مقاله بر ماهیت شناختی نام‌های غیررسمی تأکید می‌کند که مبتنی بر شباهت مستقیم یا استعاری به چهره‌های عمومی شناخته‌شده از گذشته یا حال است: سیاست‌مداران، بازیگران، هنرمندان، موسیقی‌دانان، ورزشکاران، هنرمندان، نویسندگان، شخصیت‌های تلویزیونی و غیره. مشاغل و حرفه‌ها نیز به عنوان منابع تداعی‌های معنایی که نام‌های غیررسمی ایجاد می‌کنند، بررسی می‌شوند. آنها همچنین به بررسی سازکارهای شناختی-ارزشی<sup>۱</sup> لقب‌ها که ظهور آنها با یک رویداد غیرمعمول یا یک موقعیت خاص در زندگی فرد مرتبط است، می‌پردازند.

در پژوهش زندگی و طوسی نصرآبادی (۱۳۹۶)، القاب دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستان‌های مشکین‌شهر بر اساس چارچوب زبان‌شناسی اجتماعی بررسی شد. بر این اساس، بیشترین القاب گروه پسران مربوط به هویت محلی و بیشترین القاب گروه دختران مربوط به هویت ملی است. از نظر این پژوهشگران، دلایل لقب‌گذاری را می‌توان تحقیق، تحجیب، طنز یا بی‌دلیل دسته‌بندی کرد. همچنین، القاب پسران به گفتمان‌های روزمره، و القاب دختران به به گفتمان‌های رسانه‌ای مربوط می‌شد. در گروه پسران، گفتمان تابو و در گروه دختران، گفتمان مذهبی پیشتاز بود. در تمام مؤلفه‌هایی که در این تحقیق به کار رفت، متغیر جنسیت و مقادیر آن مؤلفه، ارتباط معناداری با یکدیگر داشتند.

اسدی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی روند نام‌گذاری فرزندان در طول سه دهه اخیر در بخش کلاترزان سمنندج پرداخته‌اند. در این پژوهش در چارچوب زبان‌شناسی اجتماعی شناختی، ۸۳۲۵ نام پسر و دختر به صورت تمام‌شماری گردآوری شد. نام‌ها به لحاظ جنسیت، تفاوت گونه‌های سورانی و هورامی زبان کردی و همچنین میزان استفاده از نام‌های الهام‌گرفته از طبیعت بررسی شده است. براساس یافته‌های پژوهش، میانگین نام‌های سه دهه برآمده از خاستگاه هویت ملی بالاترین فراوانی (۲۶۲۸) را داشته و نام‌های قومی (۲۴۴۰) و نام‌های مذهبی (۲۳۵۳) به ترتیب رتبه دوم و سوم فراوانی را دارد. نام‌های با هویت ملی و مذهبی، روندی کاهشی داشته و گرایش به نام‌های قومی و فراملی، سیری افزایشی داشته است.

در پژوهش زندگی و همکاران (۱۴۰۰: ۱۱-۱۲)، چشم‌انداز اجتماعی و کاربردشناختی و نیز چشم‌انداز شناختی

2. generalized metaphors

3. cognitive nomination

1. Cognitive- axiological

شناختی می‌دانند. زندی و احمدی (۱۳۹۵) اصطلاح نام‌شناسی اجتماعی - شناختی را برای پژوهش‌هایی به کار می‌برند که نام‌ها را از دو بعد اجتماعی و شناختی بررسی می‌کنند. پژوهش حاضر در همین چارچوب است.

زبان‌شناسی شناختی در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ آغاز شد (رجوع کنید به دستور زبان شناختی لانگاکر<sup>۳</sup>، نظریه استعاره شناختی لیکاف<sup>۴</sup>، معناشناسی چارچوب فیلمور<sup>۵</sup> و معناشناسی شناختی تالمی<sup>۶</sup>). حتی امروزه، اصطلاح زبان‌شناسی شناختی به مدل‌های متفاوت، رقیب اما مکمل اشاره دارد که اصول مشترکی دارند. آنها زبان را به عنوان یکی از جنبه‌های دانش ناشی از کاربرد و تجربه در نظر می‌گیرند که «جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، روانشناختی، ارتباطی و عملکردی را منعکس می‌کند و تنها در چارچوب یک دیدگاه واقع‌بینانه از اکتساب، رشد شناختی و فرآیندهای ذهنی آن قابل درک است» (تیلور<sup>۷</sup>، ۲۰۰۲). رزگی<sup>۸</sup> (۲۰۲۳)؛ (۴) که به بحث در مورد اسم‌هایی خاص در نام‌شناسی شناختی می‌پردازد، معتقد است «در نام‌شناسی شناختی، تأثیرگذارترین نظریه‌های زبان‌شناسی شناختی برای بازتعبیر پرسش‌های مربوط به نظریه نام و کاربرد نام مورد استفاده قرار می‌گیرند، که اغلب دستور زبان شناختی لانگاکر (۱۹۸۷)؛ (۱۹۹۱) و نظریه‌های استعاره مفهومی و مجاز مفهومی لیکاف و جانسون<sup>۹</sup> (۱۹۸۰) هستند.

نام‌شناسی شناختی رویکردی نسبتاً جدید به مطالعه اسم‌هایی خاص بر اساس رویکرد شناختی به زبان است. در این چارچوب، اسم‌ها عناصری زبانی هستند که بخشهایی از نظام شناختی را تشکیل می‌دهند، بنابراین، بازنمایی ذهنی و کاربرد اسم‌های خاص را می‌توان با فرآیندهای شناختی عام توصیف کرد. مرور کلی موضوعات و خط مشی‌های تحقیقات نام‌شناسی نشان می‌دهد که مطالعه نام‌ها و نام‌گذاری‌ها در یک چارچوب شناختی، ظرفیت بسیار خوبی است. رزگی (۲۰۲۳) با ارائه شواهدی از مزایای رویکرد شناختی، دو مسأله بحث‌برانگیز نظریه نام را مورد بررسی قرار می‌دهد. اول اینکه معنی اسم‌هایی خاص با توجه به پیچیدگی معنای طبقه واژگانی اسم‌های از منظری شناختی مورد بررسی قرار گیرد،

فوتبال انگلیس را به عنوان ابزاری برای ارتباط بررسی می‌کند. این مطالعه نام‌های مستعار بازیکنان باشگاه‌های فوتبال انگلیس از لیگ برتر، چمپیونشیپ، لیگ یک و لیگ دو را در طول فصل ۲۰۲۱-۲۰۲۲ بررسی می‌کند. تجزیه و تحلیل، تفاوت‌های آماری معنی‌داری را بین نام‌های مستعار نشان داد، که هر کدام پیام‌های منحصر به فردی در مورد زبان، جامعه یا تاریخ را منتقل می‌کنند و در عین حال به افراد مرتبط با آن اصطلاح احترام می‌گذارند. این مطالعه بر اهمیت عناصر فرهنگی خاص در تعیین چگونگی کسب نام‌های مستعار توسط باشگاه‌های فوتبال انگلیس تأکید می‌کند.»

جینگو و شیائولانگ<sup>۱</sup> (۲۰۲۳) به بررسی سازکارهای لقب‌گذاری کاربران دانشجوی چینی در یکی از سکوهایی مجازی چینی با ۵۳۰ میلیون عضو می‌پردازند. در این پژوهش سازکارهای شناختی استعاره و مجازی که منجر به شکل‌گیری چنین القابی شدند مورد بررسی قرار گرفت. در القاب یک‌جزئی، لقب مربوط یا اسم و یا صفت بود. اسم‌ها غالباً با استعاره و صفات با مجاز مفهومی شکل می‌گرفتند (۲۴). یکی از یافته‌های این پژوهش آن بود که انتخاب القاب از زبان‌های غیرچینی بازتاب واقعیت‌های فرهنگی است (۲۵). این پژوهش نشان می‌دهد که الگوی مبتنی بر استعاره مفهومی در این مفهوم‌سازی‌ها، شایع‌تر است زیرا در هویت فضای مجازی<sup>۲</sup> شکل‌دادن شخصیت با کمک استعاره، ساده و قابل فهم است.

## رویکرد نظری

نام‌شناسی در گذشته منحصر به ریشه‌شناسی نام‌های خاص و اسامی مکانها بوده است. اکنون مطالعات گسترده‌ای پدیده شکل‌گیری نام را به عنوان پدیده‌ای اجتماعی ذیل زبان‌شناسی اجتماعی بررسی می‌کنند. در مقاله زندی و احمدی (۱۳۹۵) به تفصیل به سیر مطالعات این حوزه پرداخته شده است. بر اساس همین مقاله (۱۰۹) نام هم برای برای شناسایی فرد به کار می‌رود و هم تعلق و هویت اجتماعی او را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، در نام‌شناسی شناختی، نام‌ها عناصر واژگانی مهمی هستند، هم به منزله عناصری در نظام زبان و هم در مقام عناصری ذهنی که بازتاب تجربه‌های انسان در مواجهه با دنیای پیرامون هستند. از این رو، نام‌شناسان شناختی نام را محصول ذهن بشر و پدیده‌ای

3. Roland Langacker

4. George Lakoff

5. Charles Fillmore

6. Leonard Talmy

7. Taylor

8. Reszegi

9. Mark Johnson

1. Jinge & Xiaolong

2. virtual identity

ارتباطی بسیار متنوعی به کار رود، مثل ایجاد رابطه، شوخ‌طبعی، طنز، و حُسن تعبیر، یکی از کارکردهای عمدهٔ مجاز فراهم‌نمودن شکل دقیق ارزیابی افراد و اشیاء است.

استعارهٔ مفهومی در نظریهٔ چندسطحی<sup>۴</sup> کوچش (۲۰۲۰: ۲) عبارت است از مجموعهٔ نظام‌مند انطباق‌ها<sup>۵</sup> یا «نگاشت‌های<sup>۶</sup>» میان دو حوزهٔ تجربه. یعنی «درک یک حوزه به صورت حوزهٔ دیگر». این امر به این دلیل است که معتقدند عناصری خاص و روابط بین آن عناصر از یک حوزه، یعنی «حوزهٔ مبدأ<sup>۷</sup>»، بر حوزهٔ دیگری، یعنی «مقصود<sup>۸</sup>» نگاشت می‌شود. کوچش (۲۰۱۰: ۱۳۴) در مورد بنیان استعاره بر این باور است که انتخاب حوزه‌های مبدأ به عوامل انسانی بستگی دارد که شباهت‌های غیرعینی، استعاری و از پیش نامعلوم میان حوزهٔ مبدأ و حوزهٔ مقصد را منعکس می‌کند. این عوامل را بنیان‌های تجربی یا انگیزتی می‌نامند. برخی از انواع متداول چنین شباهت‌هایی عبارتند از: ارتباط یا همبستگی تجربی، شباهت ساختاری ادراک شده، شباهت ساختاری ادراک شده‌ای که استعاره‌های نخستین را بر می‌انگیزد، و وجود مبدأ به عنوان ریشهٔ مقصد. در مورد اخیر، مبدأ می‌تواند ریشهٔ زیستی یا فرهنگی مقصد باشد. (کوچش، ۲۰۱۰: ۱۳۴)

در نظریهٔ استعارهٔ مفهومی گسترده، یک دیدگاه چندسطحی برای تبیین استعاره در نظر گرفته می‌شود. فرض بر این است که در جریان استعاره، یک سازهٔ مفهومی به کمک یک سازهٔ مفهومی دیگر درک یا تولید می‌شود. این سازهٔ مفهومی ممکن است در سطوح مختلف طرح‌وارگی قرار بگیرد. بر اساس کوچش (۲۰۲۰: ۶۷-۸۰) می‌توانیم چهار سطح طرح‌وارگی (در مقابل اختصاصی‌بودن) را از هم متمایز کنیم. در بالاترین سطح طرح‌وارگی، طرح‌واره‌های تصویری قرار دارند، مثل ظرف، راستی، نیرو، شیء، کل-جزء و بسیاری دیگر. اینها ساختارهایی به‌شدت طرح‌واره‌ای هستند که از پایه‌ای‌ترین تجارب بدن‌مند ما ناشی می‌شوند. طرح‌واره‌های تصویری در استعاره‌های مفهومی بسیار بسیار عام، به عنوان مفاهیم مبدأ ایفای نقش می‌کنند، مثلاً در استعارهٔ **بیشتر بالاتر است**. زیر این سطح طرح‌وارگی، حوزه‌ها قرار دارند. حوزه‌های مختلف توسط طرح‌واره‌های تصویری حمایت

سپس مقوله‌بندی اسم‌هایی خاص مورد بحث قرار می‌گیرد، یعنی اینکه چگونه شبکه‌ها و زیرشبکه‌های اسم‌های درون واژگان ذهنی پدیدار می‌شوند.

با توجه به اینکه القاب در زیرمجموعه نام‌ها قرار می‌گیرند، و در بافت اجتماعی فرهنگی رخ می‌دهند، در اینجا رویکرد نام‌شناسی اجتماعی-شناختی به عنوان رویکرد نظری تحقیق مبنای تحلیل القاب بازیکنان فوتبال قرار می‌گیرد.

در این جا رویکردهای مجاز مفهومی لیتلمور<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) و استعارهٔ مفهومی گستردهٔ کوچش (۲۰۲۰) به اختصار معرفی می‌شود. به تعبیر لیتلمور (۲۰۱۵: ۴) مجاز صنعتی زبانی و فکری است که در آن یک پدیده برای اشاره به، یا به تعبیر زبان‌شناسی شناختی «ایجاد دسترسی به<sup>۲</sup>» پدیده‌ای دیگر که به نحوی مرتبط است، به کار می‌رود. برای درک جملهٔ «قطارها در اعتصاب به سر می‌برند، از دانش خود راجع به قطار استفاده می‌کنیم، دانشی شامل این واقعیت که قطارها راننده دارند، و بدون این راننده هیچ قطاری حرکت نمی‌کند، تا استنباط کنیم که این قطارهای واقعی نیستند که دست به اعتصاب می‌زنند، بلکه راننده‌های قطار این کار را می‌کنند. در جملهٔ کتری جوشید و حباب شد، عقل سلیم و دانش روزمرهٔ خود در مورد کار کتری را به کار می‌بریم تا حدس بزنیم این کتری نیست که «جوشید و حباب شد»، بلکه آب داخل کتری است. به گفتهٔ لیتلمور، در این مثال‌های خاص، ما دانشمان از رابطهٔ بین قطارها و رانندگانشان و رابطهٔ بین کتری‌ها و محتوایشان را به کار گرفته‌ایم تا معنای واقعی این جملات را درک کنیم.

لیتلمور (۲۰۱۵: ۱۴-۱۵) معتقد است که ما «به‌طور مجازی<sup>۳</sup>» می‌اندیشیم چون به‌طور فیزیکی غیرممکن است همهٔ دانشمان از یک مفهوم خاص را یک‌باره فعال کنیم، بنابراین تمایل داریم بر جنبهٔ برجستهٔ آن مفهوم تمرکز کنیم، و این را نقطهٔ دسترسی به کل مفهوم مورد استفاده قرار دهیم. مثلاً وقتی از افراد می‌خواهند رایانه را طراحی کنند، بیشتر آنها فقط صفحهٔ رایانه را می‌کشند، و نه هارد، کیس، موس، و دیگر اجزاء آن را.

لیتلمور (۲۰۱۵: ۵) با استناد به یافته‌های برخی معنی‌شناسان شناختی، معتقد است هرچند مجاز عمدهٔ به منظور ارجاع به کار می‌رود، اما می‌تواند برای کارکردهای

4. The Multilevel View  
5. correspondences  
6. mapping  
7. source domain  
8. target domain

1. Littlemore  
2. Provide access to  
3. metonymically

با جستجوهای مجدد ارزیابی و موارد مبهم و کمتر معتبر حذف شده است. همچنین برای اعتبارسنجی هر لقب، زندگی‌نامه و سوابق ورزشی هر بازیکن، و ویژگی‌های برتر حرفه‌ای وی مورد بررسی قرار گرفت. از میان القاب که بر اساس کندی و زامونر (۲۰۰۶) به دو دسته عبارتی (یا هومری) و تصغیری تقسیم می‌شدند، القابی که عبارتی/هومری بودند انتخاب شدند و القاب تصغیری از داده‌های تحقیق حذف شدند. القاب تصغیری، شکل کوتاه‌شده اسم بازیکن بود، مانند لقب زی‌زی که کوتاه شده زین‌الدین زیدان است. القاب عبارتی/هومری بر اساس روش‌های شناسایی استعاره و مجاز مفهومی به دو مقوله مجاز مفهومی و استعاره مفهومی تقسیم و در جداول مربوطه قرار گرفتند. از بین ۱۰۳ بازیکن فوتبال، ۱۱۸ لقب استعاری - مجازی استخراج شد. (عدم تساوی میان تعداد بازیکنان و مجموع القاب به این دلیل است که برخی بازیکنان دو یا حتی سه لقب داشتند). از مجموع این القاب، ۳۷ لقب با بنیان مجاز مفهومی و ۸۱ لقب با بنیان استعاری شناسایی شد. روابط مجازی و مفهومی به طور دقیق بررسی و در قالب جداول موجود، نمایش داده شد. در روابط مجازی و استعاری، لقب هر بازیکن به عنوان حوزه مبدأ (حوزه ب) در نظر گرفته شد، به عنوان مثال اگر بازیکن الف، دارای لقب ب بود، رابطه مفهومی بین بازیکن الف و لقب وی (ب) یا از نوع مجازی محسوب می‌شد، طوری که لقب (ب) در همان حوزه مفهومی و در مجاورت مفهومی با بازیکن (الف) قرار داشت. اگر بازیکن (الف) و لقب او (ب)، در دو حوزه مفهومی دور از هم و مجزا قرار داشتند، رابطه از نوع استعاره بود. به عنوان مثال، اگر بازیکن (الف)، لقب «آقای سریع» (ب) داشته باشد، چون سرعت از ویژگی‌های وی و جزئی از مفهوم هویتی بازیکن (الف) است، رابطه از نوع مجاز مفهومی (ویژگی به جای دارنده ویژگی، ب به جای الف) است. اما اگر همین بازیکن را با لقب «بیر» بنامیم، رابطه استعاری «انسان به مثابه حیوان» و «الف به مثابه بیر» شکل گرفته و از نوع تشابه دو حوزه نامتجانس است.

داده‌های این پژوهش به روش پیکره‌ای جمع‌آوری شده و شامل بازیکنان دوره تاریخی یا کشور خاصی نمی‌باشد و موارد در دسترس در این پیکره قرار گرفته‌اند. این گستردگی می‌تواند به دیدگاه جامع‌تری در مورد فرایند ساخت القاب منتهی شود. در تحلیل داده‌های استعاری، دیدگاه چندسطحی کوچش (۲۰۲۰) به کار می‌رود که طی آن استعاره‌ها متشکل از دو سازه‌اند که در سطح طرح‌واره‌ای، دارای درجه عمومیت

می‌شوند به این معنی که طرح‌واره‌های تصویری بر جنبه‌های مختلف حوزه‌ها که معرف آن حوزه‌ها هستند، اعمال می‌شوند. در استعاره **زمان حرکت است**، محتوای تجربی اختصاصی‌تری نسبت به استعاره‌هایی که صرفاً طرح‌واره‌های تصویری دارند وجود دارد. در سطحی «پایین‌تر»، قالب‌ها هستند. قالب‌ها جنبه‌های مختلف حوزه‌ها را بیشتر پرداخت می‌کنند و گسترش می‌دهند. استعاره مفهومی **عشق آتش است** در سطح قالب است. در سطحی اختصاصی‌تر، فضاهای ذهنی قرار می‌گیرند که بافت‌انگیز هستند و به صورت برخط درک می‌شوند. مثلاً استعاره **عشق مجنون به لیلی به مثابه آتش**، در سطح فضای ذهنی رخ می‌دهد. همه طرح‌واره‌های تصویری، حوزه‌ها و قالب‌ها روی هم محتوای مفهومی زبان و آنچه ما معمولاً دانش دایره‌المعارفی می‌نامیم را تشکیل می‌دهند. این ساختارهای مفهومی عمدتاً بافت‌زوده‌اند. در مقابل، وقتی در موقعیت‌های ارتباطی واقعی، زبان را به کار می‌بریم، این میزان زیاد دانش ضمنی را به کار می‌بریم تا به اهداف (اجتماعی، بیانی، بلاغی و غیره) خاصی برسیم. این کار به طور برخط توسط گویندگان خاص حاضر در بافت‌های ویژه که ساختارهای مفهومی را در حافظه بلندمدت‌شان دستکاری می‌کنند و تغییر می‌دهند، بر اساس نیازها و اهداف ارتباطی‌شان، اجرا می‌شود. فرایند مفهوم‌سازی و زبان به کار رفته، در این مورد، کاملاً مبتنی بر بافت است. بر اساس کوچش (۲۰۲۰: ۱۶۴) استعاره‌های فضای ذهنی معانی بافتی را در یک قطعه گفتمان جاری، امکان‌پذیر و کنترل می‌کنند. مجازها و استعاره‌هایی که در این مقاله منجر به شکل‌گیری القاب فوتبالیست‌ها شده، متأثر از بافت فوتبالی، در سطح فضاهای ذهنی انگیزه‌می‌شود و عوامل اجتماعی فرهنگی بر آغازش<sup>۲</sup> یا آماده‌سازی مبداهای مورد نظر دخیل است.

### روش تحقیق

داده‌های این تحقیق از مقالات فوتبالی متعدد در اینترنت و تارگه‌های مرتبط با بازیکنان فوتبال ایرانی و خارجی تهیه شده است.<sup>۳</sup> صحت و سقم داده‌های مذکور در چندین مرحله

1. TIME IS MOTION
2. priming

۳ به عنوان مثال تارگه‌های:

<https://www.asriran.com/fa/news/181076>

<https://www.tarafdari.com/node/2237972>

<https://www.jet.ir/article/697/>

بالا و در سطح فضای ذهنی، که در بافت خاصی به صورت  
برخط رخ می‌دهد دارای اختصاصی‌شدگی بالا هستند.

### یافته‌های پژوهش و بحث

داده‌های این پژوهش شامل القاب بازیکنان فوتبال از نوع  
پیکره‌ای و در نتیجه بافت‌محور است. همانطور که در بخش  
فوق گفته شد، از دو نوع لقب، القاب عبارتی یا هومری و نه  
تصغیری انتخاب شده‌اند. مجموع بازیکنانی که دارای این نوع  
القاب بودند، ۱۰۳ بازیکن بود. مجموع ۱۱۸ لقب دارای این  
مختصه در این پژوهش به دست آمد. از این بین، ۳۷ لقب  
(۳۱٪) با استفاده از فرایند مجاز مفهومی، و ۸۱ لقب (۶۹٪) با  
استفاده از استعاره مفهومی شکل گرفته‌اند. در بخش ذیل به  
چگونگی پیدایش القاب از راه مجاز و انواع آنها و کارکرد آنها  
در گفتمان فوتبالی خواهیم پرداخت.

### مجازهای مفهومی و نقش آنها در پیدایش القاب بازیکنان فوتبال

۳۱٪ القاب این پژوهش از طریق مجازهای سه‌گانه زیر شکل  
گرفته‌اند که در ستون مجاز در جدول (۱) مشاهده می‌کنید.  
گروه (۱) مجاز ویژگی به جای دارنده ویژگی. در این  
مجاز مفهومی، یکی از ویژگی‌های ظاهری، فیزیکی، سبک

بازی، رفتاری بازیکن مذکور انتخاب، و به جای آن بازیکن به  
کار رفته است. رنگ پوست سیاه، تاسی سر، و کوتولگی از  
جمله ویژگی‌های ظاهری هستند که به ترتیب برای اسکیل  
گارای (نگرو)، آندرس سن‌مارتین (تاس)، و فیلیپ لام (کوتوله  
جادویی) به کار رفته است. ویژگی‌های رفتاری مثل کله‌شقی،  
دیوانگی، انگیزش‌گری، به عنوان ویژگی‌های رفتاری آندرس  
دل‌الساندرو (کله شق)، سباستین آبرئو (دیوانه)، و لوتار  
ماتئوس (انگیزشگر) به کار رفته است. گاه این دسترسی  
ذهنی با زنجیره‌ای از مجازها فراهم می‌شود. به عنوان مثال،  
لقب نخودفرنگی به جای چشم سبز به جای *ارناندس*، مجاز  
مفهومی زنجیره‌ای<sup>۱</sup> است. یا مجاز مفهومی کاهو به جای  
خوردن کاهو به جای گیاهخواری به جای *کارلوس روالا* است  
که لقب کاهو را برای وی می‌سازد. در اینجا قبل از ویژگی  
گیاهخواری، عنصر کاهو، آن ویژگی را انگیزنده و سپس  
دسترس ذهنی به دارنده ویژگی گیاهخواری ممکن می‌شود.  
این زنجیره در لقب شکلات برای *رامیرو کاستیو* پیچیده‌تر  
می‌شود: شکلات به جای رنگ قهوه‌ای به جای رنگ  
پوست قهوه‌ای به جای نام *رامیرو کاستیو*. این مثال نشان  
می‌دهد که چطور مجاز را می‌توان برای برجسته کردن  
برخی مشخصه‌های یک پدیده به کار گرفت و سایر ویژگیها  
را به حاشیه راند (لانگاکر، ۱۹۹۳).

جدول ۱. مجازهای دخیل در شکل‌گیری القاب بازیکنان فوتبال (۳۱٪)

مجاز	مجاز(های) زیرمجموعه	مجاز نهایی	لقب مجاز بنیاد بازیکنان
۱-ویژگی (فیزیکی، سبکی، ظاهری و...) به جای نام دارنده ویژگی	ویژگی بازیکن به جای نام بازیکن	رنگ پوست اسکیل گارای (سیاه) به جای اسکیل گارای	نگرو (سیاه)
		کله شقی آندرس ده‌الساندرو، به جای ده‌الساندرو	کله شق
		تاس بودن آندرس سن‌مارتین به جای آندرس سن مارتین	تاس
		نخودفرنگی به جای چشم سبز بودن به جای خاویز ارناندس	نخودفرنگی
		کاهو به جای خوردن کاهو به جای گیاهخواری به جای کارلوس روالا گیاه‌خوار	کاهو
		کوتوله جادویی به جای فیلیپ لام	کوتوله جادویی
		کوتولگی دیگو بوناتونته به جای نام او	کوتوله
		شکلات به جای رنگ قهوه‌ای	شکلات
		به جای رنگ پوست قهوه‌ای به جای نام <i>رامیرو کاستیو</i>	شکلات
		دیوانه به جای سباستین آبرئو	دیوانه
		سرخپوست به جای کارلوس ته‌وز	سرخپوست

مجاز	مجاز(های) زیر مجموعه	مجاز نهایی	لقب مجاز بنیاد بازیکنان
		بچه به جای بازیگوشی و پر جنب و جوشی بچه‌گانه کارلوس والدراما	بچه
		انگیزش گر به جای لوتار ماتئوس	انگیزشگر
		استخوانی به جای لوسیا گالتی	استخوانی
		مرد یخی به جای تونی کروس	مرد یخی
	کنش جادوگرانه بازیکن به جای نام بازیکن	جادوی ایسکو در بازی به جای ایسکو	جادو
	گلزنی بازیکن در بازی‌های رفت و برگشت بایک تیم به جای نام بازیکن	رفت و برگشت به جای مهدی هاشمی‌نسب	رفت و برگشت
	شغل بازیکن به جای نام بازیکن	باغبان به جای خولیو کروز	باغبان
	پست بازیکن به جای نام او	کاپیتان به جای رائل گونزالس	کاپیتان
۲- کنش به جای نام بازیکن کنش‌گر	شادی گل بازیکن به جای نام بازیکن	توپو جوجیو به جای ادای توپو جیجیو هنگام گل زدن به جای خوان رومن ریکلمه	توپو جوجیو
	ژوناس گوتیرز	زدن ماسک عنکبوتی به جای مرد عنکبوتی به جای ژوناس گوتیرز	مرد عنکبوتی
	رشته ورزشی قبلی به جای نام بازیکن	گلف باز به جای گرت بیل	گلف باز
		دیوید بکام به جای زدن ضربان ایستگاهی به جای مبعلی	(ایمان) دیوید بکام
		دل پیرو به جای گل زدن / هجوم به جای سراج	(سراج) دل پیرو
		پاول ندود به جای سبک بازی (بازیسازی و طراح بودن و ..) به جای پژمان	(پژمان نوری) پاول ندود
		(روبرتو) کارلوس به جای شوت‌زنی قوی به جای کاویانپور	(حامد کاویانپور) کارلوس
		مالدینی به جای پست بازی و تیپ بدنی به جای شاهرودی	(رضا شاهرودی) مالدینی
		باتیستوتا به جای چندگلزنی و جنگندگی به جای علی دایی	(علی دایی) باتیستوتا
		مارادونا به جای گلزنی خلاقانه به جای علی کریمی	(علی کریمی) مارادونا
	نام بازیکن معروف به جای مهارت او به جای بازیکن معروف دیگر	کلابورت به جای هجوم و جنگندگی به جای موسوی	(موسوی) کلابورت
		کلینزمن به جای گلزنی و حمله به جای مجیدی	(مجیدی) کلینزمن
		کانتونا به جای هجوم و گلزنی به جای کریم باقری	(کریم باقری) کانتونا
		قایقران به جای هجوم و گلزنی به جای مازیار زارع	(مازیار زارع) قایقران
		کاپلو به جای دروازه‌بانی عالی به جای ناصرحجازی	(ناصر حجازی) کاپلو
		دیوید سیمن به جای دروازه‌بانی عالی به جای هادی طباطبایی	(هادی طباطبایی) دیوید سیمن
		خورخه والدانو به جای بازی عالی به جای هرنان کریسپو	(هرنان کریسپو) والدانیتو
		پله به جای بازی عالی به جای یوهان کرایوف	(یوهان کرایوف) پله سفید
۳- نام بازیکن کنش‌گر معروف‌تر به جای کنش به جای نام بازیکن			

مبدهای حیوان (۲۲.۲٪)، نظام اجتماعی قدرت (۱۷.۲٪)، نیروهای فوق بشری (۱۳.۵٪)، جنگ و مبارزه (۹.۸٪)، نظام دینی (۷.۴٪)، دستگاه (۷.۴٪)، اشیاء گرانبها (۶.۱٪)، اشیاء هنری (۶.۱٪)، شخصیت فیلم و کارتون (۳.۷٪)، عناصر طبیعت (۳.۷٪) و نهایتاً ماده غذایی (۲.۴٪)، به ترتیب پربسامد تا کم‌بسامدترین مبدهای بکار رفته در شکل‌گیری القاب بازیکنان فوتبال را به خود اختصاص می‌دهند. در این پژوهش آنچه مهم است تأکید بر نحوه ظهور این استعاره‌ها است. سؤال این است که چگونه می‌توان بر اساس دیدگاه چندسطحی استعاره، متعلق به کوشش (۲۰۲۰) این فرایند لقب‌دهی را تبیین نمود، و اینکه، ویژگی‌های بافتی و موقعیتی مربوط به فوتبال، چه تأثیری بر نوع فرایند و نوع مبدهای برگزیده دارد؟ به این منظور بر اساس، نوع مبدأ انتخاب‌شده در فرایند استعاری القاب در یازده گروه طبقه‌بندی و توضیحات هر بخش در راستای سؤالات تحقیق ذیل هر گروه ارائه می‌شود.

گروه شماره (۱) حاوی استعاره انسان به مثابه حیوان است. این استعاره که در سطح حوزه به صورت برون‌خط در زبان‌های مختلف دنیا وجود دارد و جزء استعاره‌های پربسامد است، در این گروه در سطح فضای ذهنی تحت تأثیر موقعیت فعال و به صورت برخط تولید و درک می‌شود. به عنوان مثال، در اینجا سازه‌های ذهنی «احمدرضا عابدزاده» و «عقاب آسیا»، به صورت برخط، در موقعیت کلامی پدیدار و درک می‌شوند و فرایندهای تولید و درک آن با بافت موقعیتی، رابطه بلافصل دارد. در این حالت آنچه باعث انگیختگی، تولید و درک معنای استعاری می‌شود، موقعیت بافتی است که در آن احمدرضا عابدزاده به عنوان بهترین دروازه‌بان آسیا در بدو امر باید شناخته‌شود. از سوی دیگر، دانش زمینه‌ای گوینده و شنونده از پرنده‌ای به نام عقاب که ویژگی‌های حرکتی خاصی از جمله چنگالهای قوی برای گرفتن شکار دارد، ارتباط ذهنی میان این دو فضا یا سازه ذهنی مبدأ و مقصد را برمی‌انگیزد. القاب عقاب، راسو، هشت‌پا، جانور درنده، فُک، خرگوش، غزال، بَیر، موش، حشره، شپش، سگ، پلنگ، ماموت و کُک، حاصل استعاره سطح حوزه انسان به مثابه حیوان است که در سطح خاص، به استعاره‌های سطح فضاهای ذهنی تخصیص یافته و هر کدام برای نامیدن یک بازیکن به کار رفته‌اند. درک و تولید استعاره‌های زیر در سطح فضاهای ذهنی، با بافت موقعیتی به صورت برخط برانگیخته می‌شود:

همانطور که لیتلمور (۲۰۱۵: ۷) بیان می‌کند مجاز برای بیان نسبتاً موثر ایده‌های نسبتاً پیچیده به کار می‌رود و می‌تواند میان‌بری باشد به رویدادها یا ایده‌های بسیار طولانی‌تر. آنچه در این مجازها برجسته می‌شود، ویژگی‌های فیزیکی و جسمانی، ویژگی‌های روانی و مدیریتی بازیکنان است.

گروه (۲) مجاز کنش به جای کنش‌گر. همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، دسته دوم مجازهای مفهومی، به مواردی اختصاص دارد که کنش به جای کنش‌گر (بازیکن فوتبال) به کار می‌رود. در این موارد، کنش مذکور فعالیت حرفه‌ای تخصصی، کنش منحصر به فرد، رشته ورزشی، کنش هنگام شادی گل، یا پست بازیکن مذکور است، مثلاً کنش جادوگرانه/ایسکو در بازی به جای ایسکو، گلزنی مهدی هاشمی‌نسب در بازی رفت و برگشت به جای مهدی هاشمی‌نسب، شغل قبلی خولیو کروز یعنی باغبانی به جای خولیو کروز، پست کاپیتانی راتول گنزالس به جای راتول و ... در انتخاب این القاب یا به بیان فنی‌تر وسیله‌ها (device)، برای دسترسی به یک بازیکن یا مقصد (target)، از میان صدها کنشی که یک بازیکن انجام می‌دهد مثل خوردن یا خوابیدن، آنهایی که مرتبط با فضای موقعیتی فوتبال هستند مثل شادی گل یا پست بازیکن یا نوع بازی جهت برجسته‌سازی آن کنش، در فرایند لقب‌دهی انتخاب و برجسته می‌شود.

گروه (۳) نام بازیکن کنش‌گر معروف‌تر به جای کنش به جای نام بازیکن. در دسته سوم، اتفاق جالبی می‌افتد. در این مجازها، نام بازیکنی مشهور به یک کنش، به عنوان لقب بازیکن هدفی به کار می‌رود که آن کنش را ماهرانه انجام می‌دهد. در این حالت زنجیره مجازی در کار است. مثلاً دیوید بکام تداعی‌کننده زنده ضربات ایستگاهی و آن نیز تداعی‌کننده مبعلی است. (کنش‌گر الف به جای کنش است. می‌توان گفت این یافته بازتاب واقعیت‌های فرهنگی است. به این معنی که در لقب‌دهی مجازی، ایرانیان تمایل دارند اسم بازیکن خارجی را انتخاب کنند چرا که نگرش مثبتی در مورد توانمندی‌های حرفه‌ای در فوتبال ایجاد می‌شود.

### استعاره‌های مفهومی و نقش آنها در پیدایش القاب بازیکنان فوتبال

استعاره‌های مفهومی نقش پررنگ‌تری در ساخت القاب دارند. ۶۹٪ القاب این پژوهش از راه استعاره ساخته و درک می‌شود.

**گروه (۱) انسان به مثابه حیوان**

*احمدرضا عابدزاده* به مثابه عقاب  
*اوزه بیو* به مثابه پلنگ سیاه  
*برایان روئیز* به مثابه راسو  
*پل بوگیا* به مثابه هشت پا  
*په په* به مثابه جانور درنده  
*جفرسون فارفان* به مثابه فُک  
*خاویر ساویولا* به مثابه خرگوش  
*خداداد عزیززی* به مثابه غزال تیزپا  
*رادامل فالکائو* به مثابه ببر  
*روبرتو آیالا* به مثابه موش  
*کریستیانو رونالدو* به مثابه حشره  
*کلودیو لویز* به مثابه شپش  
*گاری مدل* به مثابه سگ بوی تریر  
*لویاشین* به مثابه پلنگ سیاه  
*لوئیس فیلیپه اسکولاری* به مثابه ماموت  
*لیونل مسی* به مثابه کُک  
*ژوناس گوتیرز* به مثابه سگ تازی

یا ظاهر بازیکن انتخاب شده‌اند.  
 اما حوزه مبدأ دیگری که نقش مهمی در شکل‌گیری این القاب عبارتی/ هومری دارد، نظام اجتماعی قدرت و سلسله‌مراتب قدرت است. در نظام اجتماعی قدرت، که شاید بتوان آن را هرم قدرت نامید، در رأس هرم، رئیس، پادشاه، سلطان، شهریار، و مصادیق مشخص‌تر و بومی‌تر آنها مثل ناپلئون، شاهزاده پاریسی، قیصر و فرعون قرار دارد. این نظام قدرت به عنوان مبدأ، جهت شکل‌گیری استعاره سطح حوزه **نظام فوتبال به مثابه نظام قدرت و بازیکن برتر فوتبال به مثابه بالاترین فرد در نظام قدرت**، به کار می‌رود و نقش آن برجسته‌سازی توانمندی‌های فیزیکی بازیکن مذکور در نظام فوتبال است. این روابط سلسله‌مراتبی، در آخرین سطح، یعنی سطح فضاهای ذهنی، به استعاره‌هایی مثل **محمد صلاح به مثابه فرعون مصری** منتهی می‌شود که لازمه تولید و درک آن شناخت بافت موقعیتی تاریخ مصر باستان (فضای ذهنی فرعون مصر) و نیز بافت موقعیتی بازیکن مشهور مصری (فضای ذهنی محمد صلاح) است.

**گروه (۲) فوتبال به مثابه نظام اجتماعی قدرت/ بازیکن برتر فوتبال به مثابه بالاترین فرد در نظام قدرت**

*انزو فرانچسکولی* به مثابه شاهزاده  
*پله* به مثابه پادشاه فوتبال  
*خاویر ماسکرانو* به مثابه رئیس  
*رادامل فالکائو* به مثابه پادشاه لیگ اروپا  
*ریموند کوپا* به مثابه ناپلئون کوچک  
*علی پروین* به مثابه سلطان فوتبال ایران  
*علی دایی* به مثابه شهریار فوتبال  
*فرانتس بکن‌بائر* به مثابه قیصر  
*کریستیانو رونالدو* به مثابه پادشاه لیگ قهرمانان  
*کریم بنزما* به مثابه پادشاه لیگ  
*محمد صلاح* به مثابه پادشاه مصری/ فرعون  
*مهدی طارمی* به مثابه شاهزاده پاریسی  
*میشائیل بالاک* به مثابه قیصر کوچک  
*میشل پلاتینی* به مثابه پادشاه

در گروه (۳) طرح‌واره قدرتی زیربنای شکل‌گیری استعاره‌ها است. در این حالت مبداهای نیروهای ماوراءالطبیعی

نکته مهم در مورد انتخاب ناخودآگاه حوزه‌های مبدأ حیوان، (عقاب، پلنگ، راسو، ببر، غزال، هشت پا، جانوردرنده، ماموت و ...) را می‌توان در مؤلفه معنایی حرکات جسمانی، حرکت‌های سریع و قدرت بالای جسمانی دید. به عبارتی، در این دسته از حیوانات، ویژگی‌های برجسته جسمی قدرت و سرعت وجود دارد که می‌شود آنها را بر روی سازه مقصد (بازیکن فوتبال مورد نظر که به لحاظ قدرت یا سرعت شهرت دارد و برجسته است)، نگاشت کرد.

با مطالعه لقب‌های حاوی نام حشرات مثل کک و شپش، مشاهده می‌شود که عوامل خاصی از این مبداهای انتخاب و بر فضاهای ذهنی مقصد (ورزشکارانی مثل *رونالدو*، *لویز* و *مسی*) نگاشت می‌شود. لقب *کک* برای *لیونل مسی*، به دلیل مهارت‌های دریل‌زنی و جثه کوچکش، از دوران کودکی او سرچشمه می‌گیرد. به *کلودیو خاویر لویز* لقب «ال‌پیوخو» داده شده که در زبان اسپانیایی به معنی شپش است. این لقب به دلیل جثه کوچک، چابکی و توانایی او در آزار دادن مداوم مدافعان با سرعت و دویدن مستقیمش به او داده شده بود، همانطور که گرفتن یک شپش دشوار است و می‌تواند مزاحمی دائمی باشد. بیشتر مبداهای حیوانی به کاررفته، بر اساس شباهت ادراک‌شده بین کنش یا ظاهر حیوان و کنش

گرت بیل به مثابه توپ جنگی  
گرد مولر به مثابه بمب‌گذار  
مهدی مهدوی کیا به مثابه موشک  
والتر پاندینی به مثابه تفنگ

در گروه (۵)، اگر نظام دینی را به عنوان یک هرم ارزشی در نظر بگیریم، که خود نوعی هرم قدرت است، خدا، پیامبر، و مقدسات در رأس این هرم قرار دارند. برای بازنمایی قدرت بازیکنان، چه فیزیکی و چه معنوی از مؤلفه‌های این سلسله‌مراتب برای لقب‌گذاری بازیکنان استفاده می‌شود. به عنوان مثال، نامیدن *زلاتان ابراهیموویچ* با لقب خدای فوتبال، برتری قطعی وی در نظام بازی فوتبال را بازنمایی می‌کند.

### گروه (۵) فوتبال به مثابه نظام دینی - بازیکن برتر فوتبال به مثابه فرد یا موجود در رأس قدرت دینی

*ایکر کاسیاس* به مثابه شخصیت دینی مقدس  
*زلاتان ابراهیموویچ* به مثابه خدای فوتبال  
*لیونل مسی* به مثابه مسیح فوتبال  
*مارادونا* به مثابه دست خدا  
*یوهان کریوف* به مثابه پیامبر گلها  
*رائول گونزالس* به مثابه فرشته مادرید

بنابراین، نظام دین نیز به عنوان حوزه مبداء، در این لقب‌گذاریها ایفای نقش می‌کند. در این نظام، عناصری مثل خدا، پیامبر، مسیح، و ویژگیهای آنها مثل مقدس، نقش عمده‌ای در برانگیختن برجستگی قدرتی و نیز اخلاقی بازیکن مد نظر دارد. استعاره‌های سطح خاصی که از نگاهت این مبداءها بر بازیکنان خاص سرچشمه می‌گیرد نمایش داده شده است.

در گروه (۶) استعاره **انسان به مثابه دستگاه** و در سطحی خاصتر، **بازیکن فوتبال به مثابه دستگاه**، باعث ظهور القابی استعاری مثل قطار، تراکتور، کامپیوتر، هلی‌کوپتر، و ماشین گلزنی می‌شود و جنبه‌های سرعت، قدرت و دقت، بر بازیکن مورد نظر نگاهت می‌شود. در این موارد نیز بافت موقعیتی در تولید و درک استعاره‌ها و القاب موثر است.

### گروه (۶) انسان به مثابه شیء / بازیکن فوتبال به مثابه دستگاه

*آدولفو والنسیا* به مثابه قطار  
*خاویر زانتی* به مثابه تراکتور

و پدیده‌های خارق‌العاده هستند مثل جادوگر، غول هیولا و امثال آن، که برای برجسته‌سازی قدرت و تکنیک و سایر مهارت‌های بازیکنان به کار می‌روند. لیست زیر حاوی استعاره‌هایی است که ذیل استعاره **بازیکن فوتبال خوب به مثابه پدیده ماوراءالطبیعی** شکل می‌گیرند. فضای مقصد حاوی یک بازیکن است که توسط فضای مبدایی مثل پدیده، جادوگر، کوتوله جادویی، پونی سحرآمیز، مرغ تخم‌طلا، افسانه و بچه‌غول انگیخته می‌شود. عامل این انگیختگی، کنش‌گری فوق‌العاده بازیکن است که در بافت موقعیتی بلافصل حاضر است.

### گروه (۳) بازیکن فوتبال خوب به مثابه پدیده ماوراءالطبیعی

*کریستین رودریگز* به مثابه پدیده خارق‌العاده  
*رونالدو نازاریو* به مثابه پدیده خارق‌العاده  
*ایسکو* به مثابه جادوگر  
*آندرس اینیستا* به مثابه جادوگر  
*خوان سباستین ورون* به مثابه جادوگر  
*علی کریمی* به مثابه جادوگر  
*فیلیپ لام* به مثابه کوتوله جادویی  
*لوکا مودریچ* به مثابه پونی سحرآمیز  
*ماکسی لویز* به مثابه مرغ تخم‌طلا  
*ناصر حجازی* به مثابه افسانه  
*اروین هالند* به مثابه بچه غول هیولا

همچنین حوزه مفهومی جنگ و مبارزه نیز نقش قابل توجهی در شکل‌گیری القاب دارد. جنبه رقابتی ورزش این امکان را فراهم می‌کند که با کاربرد مؤلفه‌های معنایی مبارزه و جنگ، جنبه‌ای از کنش ورزشکارانه نیز برجسته شود. در جدول ۵، جنبه‌هایی مثل رهبری و مدیریت خوب یک تیم، سرعت و تهاجم، و قدرت با استفاده از مؤلفه‌های جنگ و مبارزه، مثل ژنرال، تک‌تیرانداز، آقای گلوله، بمب‌افکن، توپ، بمب‌گذار، موشک و تفنگ انگیخته شوند.

### گروه (۴) فوتبال به مثابه مبارزه یا جنگ / بازیکن فوتبال به مثابه ابزار یا فرد دخیل در جنگ

*امیر قلعه‌نویی* به مثابه ژنرال  
*تونی کروس* به مثابه تک‌تیرانداز  
*روبرتو کارلوس* به مثابه آقای گلوله

کیلیان ام‌باپه به یکی از شخصیت‌های کارتون لاک‌پشت‌های نینجا (دوناتلو)، در ظاهر و نیز در سرعت و چابکی، شباهت ادراک‌شده‌ای دارد که باعث شکل‌گیری لقب لاک‌پشت نینجا برای وی می‌شود.

### گروه (۹) بازیکن فوتبال به مثابه شخصیت فیلم/کارتون/سینما

جی‌جی بوفون به مثابه سوپرمن  
کیلیان ام‌باپه به مثابه لاک‌پشت نینجا  
اروین هالند به مثابه دیمون تارگرین

به همین ترتیب، القابی مثل کهکشانی به وضوح نشان‌دهنده درخشش قابل توجه بازیکنان معروفی مثل رونالدو (جدید)  $CR7 = \text{cosmos redshift}$  است. در این حالت **رونالدو به مثابه ستاره درخشان یک کهکشان** نمایانده می‌شود. یا لقب صاعقه که برای نامیدن گوئس (به دلیل سرعت بالا، دریل و تمام‌کنندگی) به کار رفته است:

### گروه (۱۰) بازیکن فوتبال به مثابه عنصری از طبیعت

کریس رونالدو به مثابه کهکشان  
رودریگو گوئس به مثابه صاعقه  
تونی کروس به مثابه بلوط آلمانی

القاب سرکه و پیاز از معدود مواردی هستند که برای نامیدن بازیکنی به کار رفته و بسیار خلاقانه به نظر می‌رسند. ترشروی لوکا مودریچ هنگام باخت و اشک مدافعان را با بازی تهاجمی خوب درآوردن، مقصدهای فوتبالی مد نظر هستند. دانش فوتبالی و اطلاعات موقعیتی و فوتبالی در مورد این دو فضای ذهنی (مودریچ و رودریگز) در تولید و درک این دو استعاره بسیار موثر است:

### گروه (۱۱) بازیکن فوتبال به مثابه ماده غذایی

ترشروی لوکا مودریچ هنگام باخت به مثابه سرکه  
کریستین رودریگز به مثابه پیاز (ی که اشک مدافعان را در می‌آورد)

با نگاهی گذرا به استعاره‌های فوق در چارچوب نظریه استعاره مفهومی چند سطحی کوچش ۲۰۲۰، چند نکته را می‌توان به وضوح دریافت. اول اینکه این استعاره‌ها در سطح فضای ذهنی رخ می‌دهند. این بدان معنی است که همزمان

ژاوی هرناندز به مثابه کامپیوتر  
کافو-مارکوس مورایس به مثابه قطار سریع‌السیر  
وحید هاشمیان به مثابه هلی‌کوپتر  
اروین هالند به مثابه ماشین گلزنی

در سطحی عام‌تر از ماشین‌انگاری انسان، شیء‌انگاری او نیز مبدأ شکل‌گیری برخی القاب عبارتی است. نامیدن فردی با لقب مروارید، جواهر، کاغذ و دیوار، بازیکن را به لحاظ ارزشی در جایگاه‌های مختلف قرار می‌دهد و صفاتی مثل ارزشمند و گران‌بها بودن جواهرات، چابکی و سبکی کاغذ و قدرت دفاعی و استقامت بالای دیوار را بر بازیکن نگاشت می‌کند.

### گروه (۷) بازیکن فوتبال خوب به مثابه شیء (گران‌بها)

اوزه بیو به مثابه مروارید سیاه  
پاتولو دیبالا به مثابه جواهر  
پله به مثابه مروارید سیاه  
سباستین فرناندز به مثابه کاغذ کوچک  
استقامت دفاعی جی‌جی بوفون به مثابه دیوار محکم

اگر فوتبال را مهارتی هنرمندانه تصور کنیم، آنگاه بازیکن حرفه‌ای را می‌توان به مثابه هنرمندی خلاق تصور کرد. این شباهت ادراک‌شده، در سطح فضاهای ذهنی در موقعیت‌های مختلف ظاهر می‌شود. در گروه (۸) ژاوی به مثابه هنرمندی عروسک‌گردان، مسی به مثابه موتزارت، آیمار به مثابه دلک، آندره آ پیرلو به مثابه معمار تصور می‌شود، گو اینکه فوتبال صحنه نمایش عروسکی، موسیقی، یا معماری است. این خلاقیت هنری، در حوزه زبان و ادبیات نیز قابل تعمیم است، طوری که استعاره **رونالدینیو به مثابه شاعر فوتبال** به سهولت در ذهن انگیزخته و درک می‌شود.

### گروه (۸) بازیکن فوتبال به مثابه آفریننده اثر هنری

ژاوی هرناندز به مثابه استاد عروسک‌گردان  
رونالدینیو د آسیس موریرا به مثابه شاعر فوتبال  
لیونل مسی به مثابه موتزارت فوتبال  
پابلو آیمار به مثابه دلک خلاق و آفریننده  
آندره آ پیرلو به مثابه معمار

سه دسته آخر استعاره‌ها به مبدهای شخصیت فیلم و کارتون، عنصر طبیعت، و ماده غذایی اختصاص دارد، که کمترین تأثیر را در شکل‌گیری القاب دارند. در گروه (۹)،

خود جزئی از استعاره عام‌تر **انسان به مثابه دستگاه** است. این امر مؤید برتری دیدگاه چندسطحی استعاره، متعلق به کوچش (۲۰۲۰) است که سازه‌های ذهنی دخیل در استعاره را متعلق به سطوح طرح‌وارگی مختلف می‌داند که با هم در ارتباط هستند.

نکته مهم دیگر که از دستاوردهای این مقاله است را می‌توان نقش ویژگی‌های بافتی و موقعیتی مربوط به فوتبال در انتخاب مجاز و استعاره‌های فوق دانست. فوتبال و برجستگی در آن مستلزم داشتن مهارت‌های حرکتی، قدرتی و مدیریتی در زمین بازی است. این عوامل باعث شده که در اکثر مجازها و استعاره‌های فوق، طرح‌واره‌های قدرتی و حرکتی و نیز مؤلفه‌های مدیریتی مثل رهبری تیم، به‌نوعی در انتخاب القاب مؤثر باشند و آغازش فرایند استعاره و مجاز را رقم بزنند. به عبارتی، موقعیت اجتماعی-فرهنگی شکل‌گیری این القاب، سهم عمده‌ای را در آغازش یا آماده‌سازی استعاره‌های مذکور دارد. القابی مثل خدای فوتبال، ژنرال، صاعقه و امثال آن دارای طرح‌واره قدرتی هستند. این طرح‌واره گاه با حرکت همراه شده و القابی مانند تراکتور، هلی‌کوپتر و قطار به دست می‌دهد. حرکات سریع با القابی مثل خرگوش و موش نشان داده می‌شود. عوامل مدیریتی نیز در انگیختن استعاری القاب مؤثر است. کریم بنزما به دلیل مهارت‌های استثنایی فوتبال، رهبری و نقش حیاتی‌اش در موفقیت‌های رئال مادرید، به ویژه در دوره‌ای که این تیم را به چندین عنوان قهرمانی لیگ قهرمانان اروپا رساند، اغلب «شاه کریم» یا «پادشاه» لالیگا نامیده می‌شد.

همانطور که داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد، استعاره‌ها نقش عمده‌ای در ساخت القاب دارند. بنیان همه این استعاره‌ها، شباهت ادراک‌شده بین مبدأ و مقصد است. همان‌گونه که گفته شد، این استعاره‌ها در سطح فضاهای ذهنی ظاهر می‌شوند ولی در دل سایر سطوح استعاری قرار می‌گیرند. موقعیت بافت فوتبالی تأثیر زیادی بر نوع استعاره‌ها و نگاشت‌ها می‌گذارد. آنچه در فوتبال به عنوان ورزشی پرطرفدار مهم است ویژگی‌های قدرتی، حرکتی و مدیریتی بازیکنان است که باعث برجستگی بازیکنان می‌شود. این امر تأثیر زیادی بر طرح‌واره‌های زیرساختی این استعاره‌ها دارد.

مشاهده می‌شود که این القاب برساخته، همگی در مدح و نه در ذم بازیکن هستند. همانگونه که در ابتدای مقاله گفته شد، از نگاه زبان‌شناسی شناختی، القاب به مثابه بازنمایی‌هایی زبانی از چگونگی مقوله‌بندی و مفهوم‌سازی افراد از یکدیگر

استعاره‌های سطوح بالاتر، مثل حوزه و طرح‌واره را فعال می‌کنند. به عنوان مثال، استعاره **خاویر زانتی به مثابه تراکتور**، که منجر به ظهور لقب تراکتور برای خاویر زانتی شده، در سطح فضای ذهنی رخ می‌دهد. این استعاره در سطح قالبی درون استعاره **بازیکن فوتبال به مثابه دستگاه** قرار می‌گیرد و آن نیز درون استعاره دیگری در سطح حوزه قرار می‌گیرد یعنی **انسان به مثابه دستگاه**. این نیز در یک سطح طرح‌واره‌ای در دل استعاره **انسان به مثابه شیء** قرار دارد. این تحلیل مطابق مدل چندسطحی کوچش (۲۰۲۰) در نظریه استعاره مفهومی گسترده (نامگ) است:

انسان به مثابه شیء (طرح‌واره)

انسان به مثابه دستگاه (حوزه)

بازیکن فوتبال به مثابه ماشین (قالب)

خاویر زانتی به مثابه تراکتور (فضای ذهنی)

در این حالت، از بالا به پایین استعاره اختصاصی‌تر می‌شود و بالعکس از پایین به بالا میزان تعمیم بالا می‌رود. نکته مهم دیگر بر اساس این نظریه این است که در سطح فضای ذهنی، تولید و درک استعاره نیاز به تسلط بر بافت دارد چون در این سطح است که استعاره با بافت موقعیتی به طور برخط تعامل دارد.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله که با هدف بررسی چگونگی پیدایش القاب بازیکنان فوتبال انجام شد، مشخص گردید که دو فرایند مجاز مفهومی و استعاره مفهومی در شکل‌گیری القاب بازیکنان معروف فوتبال مؤثرند. در ساختن و درک القاب عبارتی یا هومری، ذهن (لقب‌گذار) از دو سازکار مجاز مفهومی و استعاره مفهومی تبعیت می‌کند. در مجازهای مفهومی، کنش یا ویژگی (غالباً حرفه‌ای، حرکتی، قدرتی، سبکی و بعضاً ظاهری) بازیکن برای لقب‌گذاری وی انتخاب شده است. این فرایند در سطحی کلی‌تر، مجاز مفهومی جزء به جای کل نامیده می‌شود. جزئی که انتخاب‌شده، اغلب کنش (در بازی رفت و برگشت گل‌زدن/ رفت و برگشت) یا ویژگی (دیوانه) بازیکن مذکور است که تبدیل به لقب وی می‌شود.

استعاره‌هایی که منشأ شکل‌گیری القاب بازیکنان هستند در سطح فضای ذهنی عمل می‌کنند و حاوی تمام اطلاعات سطوح عام‌تر می‌باشند. مثلاً لقب قطار برای *آدولفو والنسیا*، استعاره *آدولفو والنسیا به مثابه قطار* را بر می‌انگیزد که

مفهوم‌سازی به همان اندازه که پدیده‌ای فردی است، فرهنگی نیز هست و ممکن است به صورت «شناخت فرهنگی» ظاهر شود. این تحقیق را می‌توان نوعی پژوهش در حوزه نام‌شناسی اجتماعی-شناختی نامید، زیرا شکل‌گیری القابی که به حوزه واژگان زبان تعلق دارند را از یک سو، در سطح ذهنی بر فرایندهای شناختی استعاره و مجاز مبتنی می‌داند و از سوی دیگر انگیزتگی فضاهای مبدأ را متأثر از جامعه، موقعیت بافتی فوتبال، و ارزش‌های اجتماعی حاکم بر تعامل طرفداران فوتبال و بازیکنان مشهور تلقی می‌کند. در پایان باید اذعان داشت همان طور که زلی و اسکپیور (۱۹۹۱: ۲۷۳)، عنوان می‌کنند القاب «دال بر جایگاه، قدرت، موقعیت، برتری و سازمان اجتماعی معنی‌دار درون یک بافت اجتماعی تعریف شده‌اند» و باید این نکته را افزود که بر ساخت مجازها و استعاره‌های منتهی به القاب نیز اغلب در همین راستاست.

## References

- Ainiala, T. & Ostman, J. O. (2017). *Socio-Onomastics: The Pragmatics of Names*. Amsterdam: John Benjamin's Publishing Company.
- Asadi, S. A., Badakhshan, E., Dastgoshadeh, A., & Naghshbandi, Z. (2020). A Cognitive Socio-Linguistic Study of Choosing Names for Children in (1985-2015); A Case Study: Kalatarzan Region of Sanandaj, Kurdistan. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 8 (28), 1-18. [In Persian]
- Crystal, D. (2008). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics* (6th ed.). Oxford: Blackwell.
- Holland, Theodore J. (1990). The Many Faces of Nicknames. *Names: A Journal of Onomastics*, 38(4), 255-272.
- Jinge, M. Xiaolong. L. (2023). A Cognitive Study on Naming Mechanisms of QQ Nicknames. *Communication and Linguistics Studies*, (9)2, 20-26. doi: 10.11648/j.cls.20230902.1
- Kennedy, K. & Zamuner, T. (2006). Nicknames and the Lexicon of Sports. *American Speech*, (81) 4, 387-422. Doi 10.1215/00031283-2006-026
- Kövecses, Z. (2010). *Metaphor: A Practical Introduction*. Oxford University Press.
- Kövecses, Z. (2020). *Extended Conceptual Metaphor Theory*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lakoff, G. & Johnson, M. (1980). *Metaphors We Live By*. University Chicago Press, Chicago.
- Langacker, R. W. (1987). *Foundation of Cognitive Grammar 1*. Stanford, California, Stanford University Press.
- هستند. در این پژوهش القاب بازتاب نگاه مثبت و تحسین‌برانگیز مردم به بازیکنان مشهور فوتبال است. به طور کلی این پژوهش همراستا با یافته‌های نظریه استعاره مفهومی گسترده است. بخش عظیمی از ساخت معنی، در اینجا، القاب بازیکنان، حاصل انگیزتگی مجازی و استعاره است. این موضوع را می‌توان در انواع نام‌ها و القاب دیگر که متأثر از بافتهای دیگر مثل بافت سیاسی، یا بافت اقتصادی هستند نیز سنجید. دیدگاهی که در این تحقیق بر آن تأکید شد، نقش بافت موقعیتی است. به اعتقاد شریفیان (۲۰۱۱) حوزه مطالعاتی میان‌رشته‌ای نام‌شناسی اجتماعی شناختی، می‌کوشد با بررسی ساخت «استعاره/مجازبنیاد» نام‌های خاص، نشان دهد که در یک جامعه زبانی، جهان پیرامون، چگونه مفهوم‌سازی می‌شود؛ زیرا آغاز مفهوم‌سازی‌ها ممکن است در شناخت فرد باشد، اما Langacker, R. W. (1991). *Foundation of cognitive grammar 2*. Stanford, California, Stanford University Press.
- Langacker, R.W. (1993). Reference-Point Constructions. *Cognitive Linguistics*, 4(1), 1-38.
- Leslie, P. & Skipper, J. (1991). Toward a Theory of Nicknames: A Case for Socio-Onomastics. *Names: Journal of the American Society*, 38(4), 273-282.
- Littlemore, Jeannette (2015). *Metonymy: Hidden Shortcuts in Language, Thought and Communication*. Cambridge Studies in Cognitive Linguistics. Cambridge University Press.
- Matsevich, S., Kuzmichenko, A., & Korenetskaya, I. (2021). Nicknames of Politicians through Conceptual Metaphors in English. In *Man, Society, Communication*, Vol. 108. *European Proceedings of Social and Behavioural Sciences* (219-226). European Publisher. <https://doi.org/10.15405/epsbs.2021.05.02.27>
- Rababah, L.M., Ali Rababah, M., Haddad, M.T., et al., (2024). A Linguistic and Cultural Analysis of British Football Club Nicknames. *Forum for Linguistic Studies*. 6(6): 1164-1174. DOI: <https://doi.org/10.30564/fls.v6i6.7495>
- Reszegi, K (2023). Proper Names in Cognitive Onomastics: Meaning and Categorization of Proper Names. *Onomástica desde América Latina*, 4 (1), 1 - 32.
- Sharifian, F. (2011). *Cultural Conceptualizations and Language: Theoretical Framework and Applications*. Amsterdam/Philadelphia: John

- Benjamins.
- Shulska, N., Hromyk, Y. & Yavorskyi, A. (2018). The Cognitive Nature of Ukrainian Nickname Construction. *Cognitive Studies*, 18, Article 1544. <https://doi.org/10.11649/cs.1544>
- Taylor, J. R. (2002). *Cognitive Grammar*. Oxford: Oxford University Press.
- Zandi, B. and Ahmadi, B. (2016). Cognitive Socio-Onomastics; A New Domain in Interdisciplinary Studies. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 9(1), 99-122. doi: 10.22631/isih.2017.2571.2972 [In Persian]
- Zandi, B., Motesharrei, S. M. and Yousefi Rad, F. (2021). The Roadmap of Onomastics Studies: From Traditional Approach to Socio-Cognitive Approach. *Journal of Sociolinguistics*, 4(2), 11-28. doi: 10.30473/il.2021.57361.1432. [In Persian]
- Zandi, B., Tusi, M. (2017). *A Sociolinguistic Study of Giving Nickname among the Students in Meshgin Shahr*. *Language Related Research*, 8(7): 53-70. [In Persian]
- Zvereva, E., Chilingaryan, K., (2016). Linguacultural Specifics of Non-Official Names of Football (Soccer) Clubs Used by Spanish-Speaking Sports Reporters in Edelearn16. *8th International Conference on Education and New Learning Technologies*. Barcelona, Spain. 7726-7733. DOI: <https://doi.org/10.21125/edulearn.2016.0007>